

شهید غلامعلی فاریابی



| | |
|-------------|--------------|
| نام پدر | عبدالله |
| تاریخ تولد | ۱۳۳۹/۰۶/۰۲ |
| محل تولد | بوشهر - دیر |
| تاریخ شهادت | ۱۳۶۲/۰۴/۱۹ |
| محل شهادت | زیادات |
| مسئولیت | رزمنده |
| نوع عضویت | بسیج |
| شغل | — |
| تحصیلات | دوره ابتدایی |
| مدفن | دوراهک |

زندگینامه

شهید غلامعلی فاریابی در سال ۱۳۳۹، در خانواده ای بسیار محروم و مستضعف، اما دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت در دوراهک به دنیا آمد. در شش ماهگی، خانه ای که از خشت و گل ساخته شده بود و خانواده شهید موقتاً در آن زندگی به سر می بردند، بر اثر بارندگی فرو ریخت که شهید نیز زیر آوار رفته بود، با وجودی که هیچ امیدی به زنده ماندن نبود، سالم از زیر آوار بیرون آورده شد.

زندگی آن ها در یک جا ثابت نبود و از این روستا به آن روستا و از این کوه به کوهی دیگر ادامه داشت. پدرش با هیزم شکنی و دامپروری و کشاورزی، مخارج خانواده را تأمین می کرد. شهید فاریابی نیز با مشاهده چنین وضعی، در کنار پدرش به تلاش و کوشش پرداخت تا شاید بتواند قدری پدر را یاری رساند. شهید مدتی به چوپانی مشغول شد و به همین دلیل نتوانست به تحصیل و کسب علم بپردازد. با این حال از نظر اخلاق، فردی متواضع، فروتن و آرام بود و به بزرگ و کوچک احترام می گذاشت.

شهید فاریابی از زمان شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، چه در زمان سربازی و چه بعد از آن، مدام به فکر جبهه بود و در این مدت در طی ۴ مرحله به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام شد که این، نشانگر عشق و علاقه او به اسلام و انقلاب اسلامی بود.

در یکی از حملات به شدت زخمی و مجروح شد که پس از مدتی، سلامتی خود را بازیافت. در عملیات پیروزمندانه بیت المقدس شرکت داشت و شاهد فتح خونین شهر بود.

در حالی که هنوز آثار زخم ناشی از ترکش بر بدنش بود، بار دیگر در تاریخ ۱۱/۳/۱۳۶۲ به جبهه های نور علیه ظلمت رفته که این بار ندای ارجعی الی ربک را لبیک گفته و در تاریخ ۱۹/۴/۱۳۶۲ در جبهه زبیدات به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

وصیت نامه

با درود بی پایان بر امید محرومان جهان، قلب تپنده تمام مسلمانان جهان، امام خمینی، ابراهیم زمان و سلام بر تمامی شهدا فی سبیل الله که جان و مال خود نثار اسلام کردند. اسلام برتر از هر چیز و هیچ چیز برتر از اسلام نیست. اگران شاء الله من شهید شدم کسی نباید برای من گریه و زاری کند و لباس سیاه بپوشد. و ای مادرمی دانم برای شما سخت است اما سخت نیست چون مادرانی هستند که سه فرزند در راه خدا فدا کرده اند ولی می گویند اینکه چیزی نیست و اگر روزی بشود من خودم هم در راه اسلام فدا می کنم. پس نباید کسی برای من گریه کند و متأثر شود.

و برادرانم رضا و محمدعلی را همچون حضرت قاسم بار بیاورید و خواهرم را هم مانند هم اسمش چون زهرا(س) بار بیاورید و آنطور تربیت کنید و برای من هم دعا کنید. مادرم نمی دانم چطور زحمات را جبران کنم و من از تو معذرت می خواهم که نتوانستم زحمتهایی که کشیدی را جبران کنم و امیدوارم که مرا ببخشید تا وقتی که زنده هستید برای اسلام و برای خدا خدمت کنید. و از همه از طرف من حلالیت بطلبید. به حول و قوه خدا عازم جبهه حق علیه باطل هستیم. هدفم این است که دفاع از اسلام و قرآن کریم کنم و عیالم به خدا سپردم و نگهدار همگی خدا باشد. پیامم به برادران این است که: جبهه را فراموش نکنند و شب و روز به فکر جبهه باشند. به امید پیروزی اسلام بر کفر صدامی.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.



سازمان جامع سرداران و دختران شهید استان بوشهر